

A comparative study of the prying office with the intention of benevolence in the law of Iran, Britain and the United States

Abstract

The prying of other people's property is an operation that a person, with good faith and benevolent motive, performs to manage another's property. The provisions of prying transactions in Iran have always been ineffective, while in the transactions of Britain and the United States, it is sometimes partially invalid and sometimes correct. In Iranian law, the legal basis for the interference and possession of a prying manager in the property of others without the permission of the owner or deputy of the law, according to the rules of domination and respect for the property of individuals can be the jurisprudential rules of Can refer to the owner. But in British and American law, the administration of other people's property is justified by the rule of emergency representation. This means that if the emergency agent is successful in British and American law, the agent can return to the original for the costs of rescuing and preserving the original property. A comparative study of these operations will help to make these types of transactions more in line with public order and the globalization of contract law.

Keywords: Prying Office of Other Property, Ehsan Rule, Prying Manager, Emergency Representation

بررسی تطبیقی اداره فضولی به قصد احسان در حقوق ایران، انگلیس و آمریکا

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۱۴

علی اکبر شعبانیان^۱علیرضا رجب زاده^۲طیب افشارنیا^۳**چکیده**

اداره فضولی مال غیر، عملیاتی است که شخص، با حسن نیت و انگیزه خیرخواهی، برای اداره اموال دیگری انجام می دهد. احکام معاملات فضولی در کشور ایران همواره به صورت غیرنافذ بوده در حالی که در معاملات کشورهای انگلیس و آمریکا گاهی بطلان نسبی و گاهی صحیح می باشد. در حقوق ایران مبنای حقوقی دخالت و تصرف مدیر فضولی در اموال دیگران بدون اجازه مالک یا قائم مقام قانون، با توجه به قواعد تسلیط و احترام مالکیت افراد می تواند قواعد فقهی «الضرورات تبیح المحضورات» و «احسان» باشد و مدیر فضولی به استناد قاعده احسان می تواند به مالک رجوع کند. اما در حقوق انگلیس و آمریکا اداره مال غیر بر اساس قاعده نمایندگی اضطراری توجیه شده است. بدین معنی که اگر عاملیت اضطراری در حقوق انگلیس و آمریکا محقق باشد عامل می تواند برای هزینه های ناشی از نجات و حفظ دارایی اصیل به اصیل رجوع نماید. بررسی و مطالعه تطبیقی عملیات مذکور به انطباق بیشتر این نوع معاملات با نظم عمومی و جهانی شدن حقوق قراردادها کمک خواهد کرد.

کلیدواژه: اداره فضولی مال غیر، قاعده احسان، مدیر فضولی، نمایندگی اضطراری

^۱ دانشجوی دکترای تخصصی، گروه حقوق، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی Z_salmani@yahoo.com

^۲ استادیار، گروه حقوق، دانشگاه رجا، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) alirezarajabzade@gmail.com

^۳ استادیار، گروه حقوق، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران Afsharnia59@gmail.com

ماده ۳۰۶ قانون مدنی، تصرف در مال غیر را در شرایط خاصی تجویز نموده است و حتی با قبول تبعات آن و محترم دانستن عمل اداره کننده مال غیر، در نتیجه عامل را، مستحق اجرت المثل ایام اشتغال نیز می - شناسد. این ماده مقرر می دارد که: «اگر کسی اموال غایب یا محجور و امثال آنها را بدون اجازه مالک یا کسی که حق اجازه دارد اداره کند زمان تصدی خود را بدهد در صورتی که تحصیل اجازه در موقع مقدور بوده و یا تاخیر در دخالت موجب ضرر نبوده است حق مطالبه مخارج نخواهد داشت ولی اگر عدم دخالت یا تاخیر موجب ضرر صاحب مال باید دخالت کننده مستحق اخذ مخارجی خواهد بود که برای اداره کردن لازم بوده است». این ماهیت حقوقی متشکل از سه رکن مادی، معنوی و قانونی می باشد:

۱- **رکن مادی:** اقدام شخص فصول را به تصرف یا انجام عملی مادی نسبت به مال دیگری را رکن مادی معامله فضولی گویند. این رکن دارای دو حالت است: **الف** - حالت تصرف قانونی: اگر وکیل از حدود وکالت تجاوز کند یا بعد از اتمام وکالت به وکالت ادامه دهد، اعم از اینکه به اتمام وکالت عالم با شد یا جاهل؛ این اقدام وکیل فضولی محسوب می شود. تصرفات قانونی اعم است از اداره مال غیر یا تصرف نسبت به مال غیر. **ب** - حالت عمل مادی: عمل مادی گاه به اسم مالک و گاه بنام خود شخص فضولی است. مانند اینکه جهت جلوگیری از سقوط منزل دیگری اقدام به تعمیرات و اصلاحات کرده یا از خراب شدن محصول دیگری جلوگیری نماید.

۲- **رکن معنوی:** مدیر فضولی در صورتی می تواند برای مخارجی که انجام داده است به مالک رجوع کند که به قصد احسان و نیکی کردن به او اقدام کرده باشد حتی اگر از این مداخله نفعی نیز حاصل گردد. البته بایستی متذکر شد که قصد احسان و نیکی با قصد تبرع متفاوت است. تفاوت را در موردی که شخص بدون قصد احسان مالی دیگری را اداره می کند می توان در ماده ۳۱۴ قانون مدنی یافت. این ماده مقرر می دارد: «اگر در نتیجه عمل غاصب قیمت مال مغضوب زیاد شود غاصب حق مطالبه قیمت زیادی را نخواهد داشت» در این جا به لحاظ فقدان عنصر قصد احسان غاصب هیچ گونه اجری ندارد.^۲

۳- **رکن قانونی:** اینکه فضول اذن و سمتی اعم از وکالت، نمایندگی، ولایت و وصایت نداشته و نهی شده از آن نیز نباشد.^۳

^۱ جعفر زاده، علی، الزامات بدون قرارداد و ضمان قهری، ۱۳۹۰، ص ۶۱

^۲ کاتوزیان، ناصر، الزامات خارج از قرارداد، جلد ۲، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۹، همان ص ۱۵۹

^۳ در خصوص منہیاً عنه اختلافی است چنانکه امام خمینی (ره) در کتاب بیع می گویند: «ولو باع الفضولی مع سبق نهی المالك بحيث وقع بیعه منہیاً عنه من قبله فالظاهر صحته و صلوحه لتعقیب الاجازة، لأن النهی لا یوجب انعدام ما فعله الفضولی، لا حقیقۃ و لا فی اعتبار العقلاء، لأن نهیة قابل للعصیان عندالعقلاء، ضرورة صدق قوله: «نهیة فعصانی» فلو كان عنوان البیع غیر صادق مع نهیة لم یکن معنی لذلك، فالنهی لا یجوب عدم صدق البیع جزماً فتشمله عمومات الانفاذ.»

در حقوق کشورهای انگلیس و آمریکا صرف نظر از آنکه فضول به حساب خود معامله نماید یا برای مالک و خریدار اصیل از عدم مالکیت فروشنده اطلاع داشته باشد یا خیر، در برخی موارد مفید انتقال مالکیت است و در برخی موارد نیز حکم آن بطلان نسبی است. در این کشورها اداره مال غیر بر اساس قاعده نمایندگی اضطراری توجیه شده است. منشأ اصل دخالت اضطراری در ایده‌ی عاملیت اضطرار نهفته است جایی که عامل در شرایط اضطرار از اختیار خود با انجام عملی از طرف اصیل تجاوز می‌کند به عبارت دیگر در حقوق انگلیس مدیر فضولی رابه عنوان نماینده اضطراری می‌شناسند. ماهیت این نهاد حقوقی را در حقوق انگلیس شبیه وکالت دانسته‌اند و در حقوق ایران ماهیت آن شبه عقد، ایقاع ماهیت مرکب داده‌اند مدیر فضولی و استفاده بلاجهت می‌باشد. در حقوق آمریکا اداره‌ی مال غیر بر اساس قاعده‌ی نمایندگی اضطراری توجیه شده است.^۴

در این مقاله سعی بر این است که با مطالعه تطبیقی به این سوالات جواب داده شود که: ۱- مبنای اداره فضولی مال غیر در حقوق ایران، انگلیس و آمریکا چیست؟ ۲- شرایط تحقق فضولی در حقوق ایران چیست؟ ۳- اداره اموال توسط مدیر فضولی در حقوق انگلستان و آمریکا به چه صورت است؟

۱- اداره فضولی مال غیر در حقوق ایران

۱-۱- تحلیل ماده ۳۰۶ قانون مدنی ایران

ماده ۳۰۶ قانون مدنی، مقرر می‌دارد: «اگر کسی اموال غایب یا محجور و امثال آنها را بدون اجازه مالک یا کسی که حق اجازه دارد اداره کند زمان تصدی خود را بدهد در صورتی که تحصیل اجازه در موقع مقدور بوده و یا تاخیر در دخالت موجب ضرر نبوده است حق مطالبه مخارج نخواهد داشت ولی اگر عدم دخالت یا تاخیر موجب ضرر صاحب مال باید دخالت کننده مستحق اخذ مخارجی خواهد بود که برای اداره کردن لازم بوده است». در مورد مدیر فضولی فروض زیر قابل تصور است:

۱- شخصی تصور می‌کند که اموال دیگری را اداره می‌نماید در حالی که اموال خود را اداره می‌نماید؛ مطمئناً عمل شخص را نمی‌توان اداره فضولی مال غیر محسوب نمود زیرا در حقیقت اموال خود را اداره نموده است حتی می‌توان گفت که در اینجا عنصر مادی هم مقصود است علی‌رغم اینکه در عنصر معنوی قصد دچار اشتباه شده است. زیرا دیدیم که رکن مادی این است که مدیر اموال غیر را اداره نماید در حالی که در فرض اول اصولاً مال غیر در میان نیست.

^۴ ره پیک، حسن، حقوق مسئولیت مدنی و جبران‌ها، ۱۳۸۷، ص ۱۹۸

۲- شخصی تصور می‌کند که دارد اموال شخص معینی را اداره می‌کند در حالی که اموال شخصی را جز آن که تصور نموده اداره کرده است؛ در این فرض می‌توان شخص را مدیر فضولی مسحوب نمود. البته بعضی ایراد نموده‌اند و گفته‌اند لازم است شخص دقیقاً بدانند اموال چس کسی را اداره مینمایند در جواب گفته شده است آنچه ضروری است این است که مدیر فضولی روحیه دیگر خواهی داشته باشد و همین کافی است که بتوان قصد آن را نیکوکارانه فرض نمود^۵

۱-۲- مبنای ایجاد الزام

درخصوص مبنای این ماهیت حقوقی باید گفت که الزامات و حقوق ناشی از اداره فضولی ناشی از حسن نیت در روابط حقوقی است. اخلاقی نیست کسی را که با قصد نیکی و احسان به کمک دیگران شتافته است مورد حمایت قرار ندهیم.

در حقیقت اداره فضولی نوعی مداخله در اموال دیگران است این مداخله بایستی تحت نظارت و کنترل درآید بدین خاطر که زمینه سوء استفاده از دیگران فراهم نیاید و هم چنین اداره فضولی ارائه خدمت به دیگران است و در حقیقت ملهم از اندیشه تفکری قابل ستایش است این قبیل از فعالیتها بایستی مورد حمایت و تشویق قرار گیرد زیرا این عمل نایشی از روحیه تعاون و همکاری اجتماعی است به همین خاطر است که برای مدیر فضولی حقوقی و برای مالک هم تکالیفی وضع گردیده است^۶

۳-۱- شرایط تحقق اداره فضولی

برای این که اداره فضولی تحقق پیدا کند لازم است که اولاً مدیر فضولی در اموال مالک مداخله کند ثانیاً این دخالت باید با قصد احسان و نیکی کردن باشد ثالثاً مالک خودش قادر به اداره اموال خود نباشد و رابعاً مداخله مدیر فضولی باید ضروری باشد.

۱-۳-۱- دخالت فضولی و قلمرو مداخله مدیر

یکی از شرایط تحقق اداره فضولی مداخله مدیر فضولی در اموال دیگری است که این مداخله به دو قسمت تقسیم می‌شود:

الف - مداخله در امور غیر مالی: هر امری که نیابت بردار نباشد مدیر فضولی نمی‌تواند به بهانه اداره فضولی در آن دخالت کند اما این قاعده همیشه مفهوم مخالف ندارد یعنی نمی‌توان گفت هر امری که قابل نیابت است می‌توان

^۵ عبدالحی حجازی، نظریه عمومی تعهدات، جلد ۲، انتشارات نهفته مصر، ۱۹۵۴، همان ص ۶۱۷

^۶ Starck droit civil obligation paris 1972 no 2265

آن را در صورت ناتوانی صاحب حق اداره نمود. زیرا پاره ای از امور آن چنان به شرافت و جدان و روابط خصوص خانوادگی ارتباط دارد که هیچ کس نمی تواند در حریم آن نفوذ کند و مباشرت شخص در آن شرط است. برای مثال هیچ کس نمی تواند وظایف همسری دیگری را عهده دار شود و اقدام خود را مباح شمرد.^۷

ب-مدخله در امور مالی: ظاهر ماده ۳۰۶ قانون مدنی این را می رساند که مداخله در امور دیگری به منظور اداره فقط باید محدود به اموال خارجی یا به عبارتی عناصر مثبت دارایی شود البته جای این پرسش را باقی می گذارد که آیا حکم ماده ۳۰۶ ضامن اداره دیون و مطالبات نیز می شود یا خیر؟ مطابق ماده ۲۶۷ قانون مدنی: «کسی که دین دیگری را می پردازد تنها در صورتی حق رجوع به او را دارد که در این اقدام ماذون باشد».

آنچه مسلم است این است که اگر پرداخت کننده دین از جانب مدیون ماذون در پرداخت باشد نوعی رابطه قراردادی میان آن دو قابل تصور است و همین امر موجب می گردد که میان اداره فضولی که هیچ گونه رابطه قراردادی با مالک ندارد با پرداخت دین دیگری در صورت وجود اذن تفاوت وجود داشته باشد البته فرض دیگر ماده ۲۶۷ باقی می ماند و آن این است که اگر اذن مدیون وجود نداشته باشد در آن صورت موضوع با اداره فضولی شباهت پیدا میکند. بنابراین اداره فضولی مال غیر استثنا محسوب می گردد زیرا آنچه اداره فضولی موضوع ماده ۳۰۶ راز موارد دیگر متمایز می گرداند دو عامل حسن نیت مدیر و ضرورت اداره است که اگر این دو عامل جمع باشد اقدامی را که در شرایط عادی نامشروع و غیر نافذ است در زمره منابع تعهد در می آورد.

۲-۳-۱- قصد اداره اموال دیگر

قصد و نیت فضول از تصرف نسبت به مال غیر، اقامه معامله به حساب و مصلحت مصاحب مال است. بنابراین اگر ثابت شود مدیر فضولی در هنگام انجام عمل اداره فاقد اهلیت بوده است و یا اینکه ابتدا قصد اداره اموال دیگری را نداشته بلکه پس از انجام عمل چنین قصدی داشته است نمی تواند اعمال او را اداره فضولی مال دیگری محسوب نمود.

۱-۳-۲-۱- نفع شخصی همراه با احسان به دیگری

همیشه اینگونه نیست که اگر شخصی در انجام عملی نفع شخصی داشته باشد قصد احسان به دیگری ندارد بلکه ممکن است شخصی علی رغم نفع شخصی قصد اداره اموال دیگری را هم داشته باشد به عنوان مثال در اداره مال مشاع

^۷ کاتوزیان، ناصر، همان ص ۱۸۳

که مدیر فضولی خود ینزمالک آن محسوب می گردد ممکن است قصد احسان و یا اداره اموال شریک نیز وجود داشته باشد^۸

۲-۳-۱- قصد انجام به اعمال فضولی

اداره مال غیر، باید به صورت فضولی باشد. برای احراز فضولی بودن اداره، باید اقدام مدیر بدون هیچ گونه قرارداد یا قانونی صورت پذیرد. بنابراین اگر کسی به قصد اداره اموال دیگری، اعمالی انجام دهد و یا قراردادی منعقد نماید و مالک اعمال او را اجازه دهد، این اجازه، مدیر فضولی را در حکم وکیل می کند.

۱-۳-۳- معیار تشخیص احسان

سوالی که اینجا مطرح می شود این است که آیا قصد احسان و یاری رساندن به دیگری از دیدگاه مدیر فضولی باید بررسی شود یا اینکه برای تمیز این قصد لازم است شخص متعارف و معقولی را معیار قرار دهیم. دو دیدگاه در این مورد وجود دارد:

بنا بر دیدگاه اول، مفاد قاعده احسان فقط اسقاط ضمان است و به هیچ عنوان توان اثبات ضمان را ندارد. در تبیین این دیدگاه دو نظر بیان شده است: در نظر اول مبنای حقوقی اداره فضولی مال غیر و احکام مندرج در آن، «قواعد حسبه» است. اداره اموال غیر در صورت عدم امکان دسترس به صاحب مال، به عهده حاکم شرع است و چنانچه امکان دسترس به حاکم وجود نداشته باشد یا تأخیر در دخالت موجب ضرر شود، به استناد «قواعد حسبه» به عهده مؤمنان عادل است و در صورت حاضر نبودن آنان، عامه مردم عهده دار این وظیفه خواهند بود و ذیل ماده ۳۰۶ ق.م. بیانگر فرض اخیر است. در نظر دوم مبنای اداره مال غیر و احکام آن، قاعده فقهی «الضرورات تبيح المحظورات» است که در توضیح آن نوشته اند: قاعده «الضرورات تبيح المحظورات» در فقه اسلام منشأ بسیاری از احکام قرار گرفته و می گیرد. بنابراین، اگر اموال شخصی در معرض تلف باشد و مالک به دلیل غیبت یا حجر و ناتوانی قادر به اداره اموال خود نباشد، و از طرفی امکان استیذان از حاکم یا کسی که حق اجازه دارد وجود نداشته باشد، هر شخصی می تواند به منظور مصلحت و به استناد ضرورت اداره مال غیر، اقدام به اداره اموال نماید و محدوده این جواز تصرف به اندازه همان ضرورت است و پس از رفع ضرورت، حق تصرف زائل می گردد.

^۸ پیشین

^۹ کاتوزیان، ناصر، وقایع حقوقی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴، چاپ نهم، ص ۲۹۸

^{۱۰} محقق داماد، قواعد فقه، ص ۲۷۶

بنا بر دیدگاه دوم، قاعده احسان می‌تواند مبنای ماده ۳۰۶ قانون مدنی و احکام مندرج در آن واقع گردد. در تبیین آن گفته‌اند: از شرایطی که ماده ۳۰۶ ق.م. برای امکان رجوع مدیر فضولی به مالک، معین کرده و از اصل عدم ولایت بر دیگران بر می‌آید، این است که مدیر در صورتی می‌تواند مخارجی را که برای اداره اموال مالک هزینه کرده است مطالبه نماید که به قصد احسان و یاری او اقدام کرده باشد. در این صورت جزای چنین احسانی را جز به احسان نمی‌توان داد، وگرنه هیچ کس حق دخالت در امور دیگران را ندارد، هر چند برای آنان مفید باشد... بنابراین شرایط تحقق نهاد حقوقی اداره فضولی اموال غیر، دو شرط اصلی است: یکی دخالت فضولی، دوم قصد احسان یا قصد اداره مال برای دیگری. قصد احسان عامل روانی است که آن را از استیلا نامشروع خارج کرده و در زمره اعمال مباح و محترم در می‌آورد. به بیان دیگر، همان گونه که هیچ کس نباید مال دیگری را به باطل بخورد و به هزینه او ثروتمند شود، کسی که در اندیشه خیرخواهی و احسان به دیگران است نباید از این راه زیان ببیند. پس وقتی وظیفه اخلاقی هر انسان است که به هنگام ضرورت به یاری دیگران بشتابد، اگر کسی بدین وظیفه اخلاقی عمل کند، نباید کار او را ناشایست و خطا شمرد. در این صورت اقدام مدیر کاری مباح است که باید محترم داشته شود و اجرت آن به عهده کسی است که از آن سود می‌برد.^{۱۱}

۲- اداره فضولی مال غیر در حقوق آمریکا و انگلیس

بدون شک حقوق انگلیس یک تجسم جهانی است که نه تنها مربوط به انگلیس و ولز است بلکه با تمام قوانین ناشی از کامن لا مرتبط است و این موضوع به علت تاریخ انگلیس و به طور عمده‌ای به دلیل نقشی است که انگلیس در قرون وسطی ایفا کرده است زمانی که مستعمرات انگلیس در تمام سراسر دنیا پراکنده شد. با باقی ماندن نوادگان استعمارگران در قدرت در چنان محیطی، سیستم حقوقی انگلیس به تسلط خود بر چشم انداز حقوقی جهانی ادامه داد. در ایالات متحده، کانادا، استرالیا، کیپ کلونی، نژاد انگلیس زمین را اشغال کردند و زبان، حقوق عادات عقاید تمام ساکنان را تعیین کردند.

۱-۲- نمایندگی اضطراری در حقوق انگلیس و آمریکا

در حقوق آمریکا عاملیت در شرایط اضطراری انجام می‌شود. عاملیت از لحاظ حقوقی با رضایت به دادن اختیار به عامل مشخص می‌شود زمانی که عامل این قدرت را بر اصیل داراست و از طرف او به شیوه‌ای عمل کند که فراتر از مقدار کافی بدون بیان اصیل باشد، این رضایت به صورت ضمنی یا تأیید شده از سوی اصیل است.

^{۱۱} دکتر کاتوزیان، ناصر، الزام‌های خارج از قرارداد، ۱۳۷۴، چاپ دوم، ص ۹۰

در حقوق انگلیس نیز اداره مال غیر بر اساس قاعده نمایندگی اضطراری توجیه شده است منشأ اصل دخالت اضطراری در ایده‌ی عاملیت اضطرار نهفته است جایی که عامل در شرایط اضطرار از اختیار خود با انجام عملی از طرف اصیل تجاوز می‌کند به عبارت دیگر در حقوق انگلیس مدیر فضولی رابه عنوان نماینده اضطراری می‌شنا سند. بنابراین در حقوق انگلستان دادگاه نقش عاملیت را پذیرفته‌اند که عامل اختیار انجام کاری که از لحاظ منطقی برای حفظ دارایی اصیل لازم بوده است داشته است پس اگر عاملیت اضطراری در حقوق انگلیس محقق باشد عامل می‌تواند برای هزینه‌ای ناشی از نجات و حفظ دارایی اصیل به اصیل رجوع نماید...^{۱۲}

عاملیت از لحاظ حقوقی با رضایت به دادن اختیار به عامل مشخص می‌شود. در گذشته این امر تنها بر حمل کالا از طریق دریا قابل اعمال بود که متضمن عمل کاپیتان برای نجات کشتی یا محموله‌هایش در دریای آزاد در شرایط پرمخاطره بود. با این حال، دکترین تا حدی گسترده شد که تمام موارد مشابه که متضمن حمل قابل مقایسه کالا در خشکی یا دیگر اشکال روابط عامل-اصیل بود را پوشش می‌داد. یکی از قضایای مشهور، شرکت راه آهن شمالی کبیر علیه کفش پوما^{۱۳} است وقتی که شرکت اسبی را به عنوان موضوع مورد قرارداد به یک ایستگاه تحویل داد و هیچ کس نبود که بار را تحویل بگیرد. اسب به اصطبل برده شد و هزینه‌اش ماه‌ها بعد پرداخت شد. خواننده از استرداد هزینه به خواهان اجتناب کرد. دعوا به دلیل توسعه‌ی دکترین اضطرار از حاملان کالا از طریق دریا به حمل کالا از طریق خشکی موفقیت آمیز بود. در این مورد عاملیت اضطراری وجود داشت، زیرا خواهان هیچ انتخاب دیگری جز این که رفاه حیوان را به شیوه‌ی انسانی فراهم کند، نداشت.

در حقوق انگلستان اداره‌ی مال غیر بر اساس قاعده‌ی نمایندگی اضطراری توجیه شده است. آذر سه مورد زیر از اضطرار به عنوان دفاعی موجه برای نمایندگی اضطراری تعریف شده است: ۱ - جایی که اضطرار جنبه‌ی اجتماعی پیدا می‌کند؛ مانند تخریب، انهدام و از بین بردن اموال برای جلوگیری از سرایت آتش نظیر آتش سوزی بزرگ لندن (۱۶۶۶م)

۲ - جایی که اضطرار چهره‌ی شخصی به خود می‌گیرد؛ مانند موردی که خواننده برای جلوگیری از سرایت آتش به ملک خود، به ملک خواهان وارد می‌شود.

^{۱۲} ره پیک، حسن، حقوق مسئولیت مدنی و جبران‌ها، ۱۳۸۷، ص ۱۹۸

^{۱۳}The Great Northern Railway co v. Puma Shoes

^{۱۴} ره پیک، حسن، حقوق مسئولیت مدنی و جبران‌ها، ۱۳۸۷، ص ۱۹۸

۳- جایی که شخص به جهت یاری رساندن به دیگری که جان یا مال او در معرض یک خطر قریب الوقوع قرار گرفته است اقدام می نماید^{۱۷}.

۲-۲ تعهدات مدیر فضولی در حقوق انگلیس

قانون انگلستان تعهدات مدیر فضولی را همان تعهدات وکیل دانسته است بنابراین مدیر فضولی متعهد است مانند پدر خوب خانواده عمل نماید با وجود این گاهی مواقع تعهد مدیر فضولی از تعهد وکیل شدیدتر است به خصوص در اداره ی مال بدار حقوق انگلستان مالک مکلف شده است که قرارداد های مدیر فضولی را تنفیذ کند^{۱۸} مدیر فضولی می تواند قرارداد ها را به نام خود یا مالک منعقد نماید. در صورتی که قرارداد ها به نام مدیر منعقد شود نیاز به تنفیذ مدیر دارد و در صورت عدم تنفیذ مالک، به حکم قانن مکلف به پذیرش آن می شود، چرا که از نظر قانون انگلستان مدیر در حکم نماینده ی مالک تلقی می شود.

۲-۳- اداره اموال توسط مدیر فضولی در حقوق انگلستان

در حقوق انگلستان مانند حقوق ایران، قرارداد با ایجاب آغاز می شود. ایجاب ابراز تمایل به قرارداد با شرایط خاص است و به طرف دیگر این امکان را می دهد که ایجاب را بپذیرد و پایه های توافق را ایجاد کند. در حقوق انگلیس قاعده ی کلی این است که پذیرش قرارداد تا زمانی که به ایجاب کننده اطلاع داده نشود مؤثر نیست^{۱۹}. مدیر فضولی نمی تواند تا زمانی که قبول توسط مالک اتفاق نیفتاده باشد تعهدات خود را انجام دهد و هم چنین نمی تواند مالک را به قبول قرارداد اجبار کند. وقتی که یک مدیر در حوزه ی وظیفه اش عمل می کند می تواند به اداره ی اموال ادامه دهد اما وقتی اعمالی که انجام می دهد از حیطه ی وظیفه اش خارج باشد، خلع می شود.^{۲۰}

مدیر فضولی نمی تواند میان مالک و دیگری قرارداد منعقد کند مگر با اجازه ی مالک و او تنها یک واسطه و رابط میان مالک و شخص ثالث است. مدیر فضولی در حقوق انگلستان در شرایطی دارای قدرت برتری بر مالک می باشد

^{۱۷}Markesinis & Deakin: P.427; Scott, 1981: P.P.155_ 156

^{۱۸}Elements of the Law of Contract, Catharine MacMillan, Richard Stone, 2012

^{۱۹}Principles Of UK Law, Joh Brayan, 2001, p 208

^{۲۰}Felthouse v bindley

۱۹

^{۲۱}INDIRECT REPRESENTATION AND THE LANDO PRINCIPLES, An Analysis of Some Problem

Areas from the Perspective of English Law, D. Bucsh, 2007, p 2

^{۲۲}Libd, p 3

و آن زمانی است که شرایط اضطراری نامیده می شود، در این شرایط تصمیم او اصلاح است و می تواند آن را اعمال کند.^{۲۲}

در مواردیکه اثر قرارداد ایجاد تعهد است و مسألهء اجرا مطرح می گردد به عنوان یک اصل مدیر فضولی ملزم است قرارداد را اجرا کند اما این تعهد مطلق نبوده منوط به امکان اجراست. در مواردیکه اجرای قرارداد به دلایل اجتناب ناپذیر خارجی و بدون مدیر ناممکن می گردد در تمام سیستمهای حقوقی قاعده کم و بیش یکسانی وجود دارد که براساس آن تعهد مدیر ساقط شده و تقصیری متوجه وی نمی باشد.^{۲۳} اگر این زمینه در حقوق انگلیس چنین مطرح شده است که اگر اجرای قرارداد ناممکن گردد و تغییراتی ریشه ای در قرارداد و اوضاع و احوال پیرامون آن رخ دهد قرارداد بطور زود هنگام و خودکار و بدون آنکه نیاز به اقدامی از سوی مالک باشد منحل می گردد و مدیر فضولی نقشی در آن نخواهد داشت و نمی تواند دخالت کند.

در شرایط اضطراری در حقوق انگلیس، زمانی که مدیر تشخیص دهد وارد می شود و از منافع مالک دفاع می کند.^{۲۴}

تعهدات مالک در مقابل مدیر فضولی عبارت است از :

- ۱ - دریافت وجه از مالک در زمان اجرای قرارداد یا در انتهای آن
- ۲ - دریافت کمیسیون در حین اجرای قرارداد اگر قرارداد برای معاملات تجاری باشد.
- ۳ - حق داخل شدن و ثبت قراردادها در یک معامله

نتیجه گیری

^{۲۲}Fridman, G.H.L(1996), Law of Agency, 7th ed, Butterworths. London. P9

^{۲۳}Contracts: Examples & Explanations, 5th Edition by Brian A. Blum , 2010

^{۲۴}Should English law develop a doctrine of necessitous intervention? What part might agency of necessity plays in this process? Dr. George Applebey, 2011

اداره فصولی مال غیر یک نهاد حقوقی است که ماده ۳۰۶ قانون مدنی مقررات آن را بیان می‌کند. در نگارش و تصویب این ماده قانونی از مواد ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۵ قانون مدنی فرانسه الهام گرفته شده است. هرچند مشروعیت این نهاد حقوقی در اسلام تأیید گردیده و نویسندگان حقوقی در تعبیر این ماده و شرح و ابهامات آن از حقوق اسلام پیروی می‌نمایند. در قانون مدنی تعریفی از این نهاد حقوقی ارائه نگردیده، ولی می‌توان گفت اداره فصولی مال غیر یک واقعه حقوقی است که شخصی داوطلبانه مال شخص دیگری را که در معرض تلف و نابودی است و مالک نیز محجور یا غایب و یا به هر دلیل ناتوان از اداره و حفظ آن بود و ضرورت دخالت فوری وجود داشته باشد، به قصد احسان اداره و حفظ نماید. در حقوق ایران مبنای حقوقی دخالت و تصرف مدیر فصولی در اموال دیگران بدون اجازه مالک یا قائم مقام قانون، با توجه به قواعد تسلیط و احترام مالکیت افراد می‌تواند قواعد فقهی «الضرورات تبيح المحضورات» «وحسبه» یا ولایت عدول مؤمنین» می‌باشد. اما در حقوق انگلیس و آمریکا اداره مال غیر بر اساس قاعده نمایندگی اضطراری توجیه شده است و مهم‌ترین وجه تمایز حقوق ایران و انگلیس و آمریکا در وجود عنصر اضطرار در حقوق این کشورهاست. در این کشورها مدیر فصولی در شرایط اضطرار وارد عمل شده و به جای مالک حتی در قراردادها تصمیم می‌گیرد و این قدرت مدیر فصولی را در حقوق این کشور می‌رساند.

منابع

- جعفر زاده، علی (۱۳۹۰)؛ الزام‌های بدون قرارداد و ضمان قهری.
- حجازی، عبدالحی (۱۹۵۴)؛ نظریه عمومی تعهدات، جلد ۲، انتشارات نهفته مصر، ۱۹۵۴.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۹)؛ الزامات خارج از قرارداد، جلد ۲، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴)؛ وقایع حقوقی، چاپ نهم، تهران، شرکت سهامی انتشار.

- Stracke droit civil obligation Paris 1972 no 2265
- STRACK DROIT CIVIL OBLIGATION NO 2270
- Struck droit civil obligation no 2286
- The Great Northern Railway co v. Puma Shoes
- Elements of the Law of Contract, Catharine MacMillan, Richard Stone, 2012
- Principles of UK Law, Joh Brayan, 2001, p 208